

جایگاه زنان در "جهانی شدن" و "بیداری اسلامی"

جایگاه زنان در "جهانی شدن" و "بیداری اسلامی"

زینب محمد عیسی

بنام خداوند بخشنده مهربان

جایگاه زنان در : [پروژه] "جهانی شدن" و بیداری اسلامی

پیگیری مطالعات و مکانیسم‌ها و برنامه‌هایی که هدف از آنها ارتقای شأن زنان در دو بعد بین‌المللی و محلی است نشانگر میزان ارتباط مسئله زن با تحولات بزرگ بین‌المللی برگرفته از زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با شکل‌گیری پدیده "جهانی شدن" – که جهانیان پس از سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1990م. شاهد آن بودند – است. پدیده‌ای که توجه علما و پژوهشگران را بخود جلب کرد و در دوران کنونی به موضوع بحث‌های داغ در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و دینی تبدیل شد زیرا در واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع استقبال کننده از آن، خلل‌هایی ایجاد کرد.

بنابراین "جهانی شدن" که می‌کوشد آینده را شکل دهد و فرهنگ ویژه‌ای را بسازد که در خدمت اهداف آن در شکل‌گیری منظومه رفتاری، ارزشی و گرایشی و روابطی باشد، توانست جوامع سنتی عربی و اسلامی را درنورد و آنها را وارد کارزار فرهنگی و تمدنی سازد. این امر به وقوع برخوردها و درگیری‌هایی در بعد ارزش‌ها و هویت و مرجعیت دینی آن جوامع، انجامید.

جهانی شدنی که فرصت‌های گشودگی در برابر جهان باز را فراهم می‌کند، در عین حال امکان تباهی و عزلت و گسست از تاریخ و محدوده جغرافیایی را که چارچوب هویت را تشکیل می‌دهند نیز فراهم می‌آورد. بنابراین "جهانی شدن" نیروی سترگی در ساخت جهانی پیشرفته است که هدفش رفاه اقتصادی است.

از سوي ديگر جهاني شدن يکي از منابع و سرچشمه هاي بيماري معاصر هم بشمار مي رود زيرا در زمينه خلاء اخلاقي و آنجا که موفقيت و ناکامي تنها معيار رفتار انسانها بشمار مي رود و خودخواهي ها حرف آخر را مي زنند و يکه تازي افراد از هر چيزي مهمتر است، حضور دارد. اين بيماري، بافت جوامع انساني و در رأس آنها خانواده يعني مرد و زن و فرزندان را تضعيف مي کند.

در ابتدای دهه هشتاد قرن گذشته، توجه زيادي به مسئله زنان شد و اين موضوع در صحنه عمومي اجتماعي، فرهنگي و سياسي، جاي مهمي را به خود اختصاص داد و در دو بعد بين المللي و محلي نيز توجه فوق العاده اي را بخود جلب کرد. سازمان ملل متحد طی دو دهه آخر قرن گذشته چهار نشست جهاني براي زن برگزار کرد. مجمع عمومي سازمان ملل متحد نيز سال 1975م. را سال جهاني زن در نظر گرفت. در همان سال اولين کنفرانس جهاني مربوط به زن در مکزيک و با عنوان "برابري، توسعه و صلح" برگزار گرديد. اين کنفرانس اعلاميه دهه بعد يعني سالهاي 1976 تا 1985م. را (دهه سازمان ملل متحد براي زن) به تصويب رساند تا طی آن کوشش هاي جهاني در جهت مطالعه موقعيت زن و حقوق آن و مشارکتش در روند تصميم گيري در همه سطوح، صورت پذيرد. در هيچدهم دسامبر 1979م. مجمع عمومي سازمان ملل متحد موافقتنامه رفع هرگونه تبعيض عليه زنان را از تصويب گذراند. اين توافقنامه در اول سپتامبر 1981م. قابليت اجرايي پيدا کرد و معيارهاي بين المللي براي برابري زن و مرد در نظر گرفته شد.

در سال 1980م. سازمان ملل متحد دومين کنفرانس مربوط به زنان را در کوپنهاگ (دانمارک) در جهت ارزيابي دستاوردها و بحث و بررسي موانع و مشکلات و اتخاذ گام هاي ضروري براي برطرف ساختن آنها برگزار کرد. در سال 1985م. به عنوان پايان نخستين دهه، در نايروبي کنفرانس جهاني طرح و ارزيابي دستاوردهاي یک دهه سازمان ملل متحد با عنوان: "برابري، توسعه و صلح" برگزار شد. در اين کنفرانس استراتژي هاي پيشبرد حقوق زنان مورد تصويب قرار گرفت و قرار شد تا پايان سال 2000م.، همه آنها به مورد اجرا گذارده شوند و کشورها نيز تشويق و ترغيب شدند، تدابير اجرايي لازم در جهت تحقق برابري زنان و مردم به لحاظ فرصت ها و امکانات مشارکت را اتخاذ کنند و قوانيني در جهت تحکيم برابري فرصت ها و اجرايي اين قوانين تدوين نمايند. در سال 1995م. سازمان ملل متحد در پکن چهارمين کنفرانس جهاني مربوط به زن را برگزار کرد؛ در اين کنفرانس، استراتژي هاي پيشين مورد ارزيابي قرار گرفتند. کنفرانس ياد شده اعلاميه و آيين عمل "پکن" را مورد تصويب قرار داد. در اين اعلاميه، چهار عرصه به عرصه هاي مربوط به استراتژي نايروبي افزوده شد و مجموعاً شامل: تقسيم قدرت، مکانيسم هاي ملي پيشرفت زنان و پاي بندي به حقوق زنان، فقر و مشارکت اقتصادي و بهره مندي از آموزش و خدمات بهداشتي، کار مزدوري، خشونت عليه زنان و پيامدهاي درگيري هاي مسلحانه بر زنان و زنان پناهنده و زنان بازگشته و زنان فراري، زنان و رسانه هاي گروهی، زنان و محيط زيست، کودک و آموزش شدند.

اين کنفرانس با برانگيختن شماري از مسايل جنجال برانگيز متمايز شد. برخي از اين مسايل مستلزم شهادت بودتا براي نخستين بار در یک محفل بين المللي مطرح مي گرديد پيشاپيش اين مسايل که ديده گاه هاي گوناگوني پيرامون آن مطرح شد مفهوم اعتبارهاي مترتب بر نوع جنس، انصاف و برابري، و

بهداشت جنسي و سقوط جنين غيرقانوني، حقوق، تمايلات جنسي و چارچوب خانواده و شكل آن، برابري در حقوق و ارث در دختران، حقوق جنسي، حقوق والدين و راهنمايي و ارشاد و غيره. از جمله نمونه‌هاي موضوع‌هاي ياد شده بود. كشورهاي عربي و اسلامي شركت‌كننده در اين كنفرانس در مورد برخي از اين بندها، و بويژه بندهايي كه قوانين يا حاكميت و سنت‌ها و باورهاي فرهنگي ديني يا شريعت اسلامي را نقض مي‌کرد، تحفظهايي داشتند.

اين كنفرانس‌هاي بين‌المللي در كنار كنفرانس‌هاي بين‌المللي جمعيت و توسعه (قاهره 1994م.) تأثير بسزايي در شكل‌گيري و بروز و توسعه سازمانها و جنبش‌هاي زنان و در تبلور ديدگاهها و استراتژي‌هاي آن در راستاي اجراي اهداف موردنظر قطعنامه‌هاي سازمان ملل و درخصوص مطالبه برابري كامل ميان دو جنس و پياده كردن توافقنامه پايان بخشيدن به تمامي انواع تبعيض عليه زنان (سيداو) بجاي گذاشت. در اين ميان در سال 2002م. سازمان زنان عرب زير چتر اتحاديه كشورهاي عربي تأسيس شد. كميته زنان به عنوان هيئتي فرعي وابسته به كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا (اسكو) نيز تأسيس يافت. در بعد غير دولتي و در چارچوب شبكه‌ها و اتحاديه‌هاي عربي مركز زنان عرب براي آموزش و پژوهش (كوتر) و "شبكه رسانه‌اي عايشه" نيز تأسيس گرديد. سپس اعلاميه بيروت براي زنان عرب ده سال پس از اعلاميه پكن صادر شد؛ در اين اعلاميه چارچوب كلي و خطوط اصلي حقوق مربوط به زنان و پيشبرد آنها در دهه آينده قرن بيست و يكم براي كشورهاي عربي و دولت‌ها و سازمانهاي غيردولتي، صادر گرديد.

بدین ترتیب موضوع زن به حرکتی اجتماعی و بمثابة فعالیتی اجتماعی با توجه به چالش‌هایی که وجود دارد و کوششی برای تحقق خواسته‌های استراتژیکی که ضامن از میان بردن تبعیض و نابرابری میان زنان و مردمان در عرصه‌های گوناگون زندگی و فراهم آوردن محیط مناسبی برای زنان در بنای توانایی‌های تولیدی و خلاقانه آنها، تبدیل گردید.

بدین ترتیب موضوع زن به حرکتی اجتماعی و بمثابة فعالیتی اجتماعی با توجه به چالش‌هایی که وجود دارد و کوششی برای تحقق خواسته‌های استراتژیکی که ضامن از میان بردن تبعیض و نابرابری میان زنان و مردمان در عرصه‌های گوناگون زندگی و فراهم آوردن محیط مناسبی برای زنان در بنای توانایی‌های تولیدی و خلاقانه آنها، تبدیل گردید.

این فعالیت‌ها از میزانی از نظم و تداوم و توانایی ایجاد تغییرات موردنظر برخوردار است و بدین ترتیب، نزدیکی‌هایی با تعریف‌های مطرح از جنبش‌های اجتماعی از جمله تعریف "Gold" و "Golbe" به عنوان کوشش‌های مستمر مجموعه‌ای از افراد به منظور تحقق منافع مشترکی برای همه اعضای آنها و تعریف "Hess" به عنوان (کوشش‌هایی سازمان یافته برای ایجاد تغییرات اجتماعی یا ممانعت از ایجاد هرگونه تغییر) پیدا می‌کند. همه آنها کوشش‌ها و تلاش‌هایی برای گردآوری افراد به گرد این دیدگاهها یا تشکیل سازمانهای رسمی برای تحقق آن اهداف یا عقد پیمانها و ائتلاف‌هایی با سازمانهای

دیگر به همین منظور است.^[1] ولی تعریف "touraine Alain" از برجسته‌ترین پژوهشگران جنبش‌های اجتماعی دانشجویی، کارگری و زنان، به همجوشی میان سه اصل اساسی یعنی: اصل هویت جنبش (یعنی منافعی که حرکت اجتماعی می‌کوشد از آنها دفاع کند از جمله جنبش‌های زنان که برای آزادی زنان فعالیت می‌کنند)، و اصل نیروهای دشمن (یعنی نیروهای دشمنی یا کسانی که با اهداف حرکت اجتماعی موردنظر مخالفت می‌کنند) و بالاخره اصل دیدگاه‌ها یا اهداف جنبش (مجموعه‌ای از ارزش‌ها و مرجعیت‌ها و ایدئولوژی‌های موردنظر) می‌پردازد.^[2] و برآنست که جنبش‌های اجتماعی سه وظیفه و کارکرد اصلی دارند. وظیفه واسطه‌گری میان افراد مجموعه‌ها از یک سو با نهادها از سوی دیگر، وظیفه روشنگری، و وظیفه فشار بر نهادها و جامعه برای تحقق خواست‌ها.

بنابراین جنبش‌های زنان که طی سه دهه مطرح شدند، جنبش‌هایی با سازمان‌ها و روابط مرجعیتی و کارکردی متعددی بودند همچنانکه با جریان‌های فکری و سیاسی مختلفی از محافظه‌کار و سنتی گرفته تا تجدیدگرا و مدرن تا جریان‌های اسلامی و طرفدار گفتمان اسلامی بودند. این دسته آخر در پی تغییر در مرجعیت خود و مطالبه برابری جنسیتی، آنچنانکه در مفهوم جنبش‌های زنان در غرب مطرح است، نبودند. برخی از این جنبش‌ها پس از آن از جنبش‌های فکری نخبه‌ای به جنبش‌های مردمی زنان و با توان بسیج زنان و انجام مبارزات ملی اجتماعی، تبدیل شدند.

وقایع سه دهه گذشته ثابت کرده که حمایت‌های بی‌حد و مرز از زنان با هدف پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زنان، بخش پنهان برنامه جهانی شدن را تشکیل می‌داد. همچنانکه همدلی خارجی با مسایل زنان وجه دیگر رویارویی‌های سیاسی با جوامع عربی و آن تصویر منفی و تاریک نهفته در بخش‌های گسترده‌ای از افکار عمومی جهان در ازای جهان عرب و اسلام و فرهنگ و ارزش‌های آن بوده است. گرایشی هدفمند به بازسازی اندام جوامع عربی و اسلامی و آماده‌سازی آن برای مشارکت فعال در بنای جامعه جهانی است زیرا زن در جوهره خود بمثابة ذخیره‌ای از میراث فرهنگی دینی و تمدنی و در عین حال روی دیگر بهداشت خانواده و جامعه در دو بعد توسعه‌ای و هویتی است.

پرسشی که اینک مطرح می‌شود: آیا معیارهای رهایی نامشروط آزادی زنان و بازگرداندن موجودیت انسانی آن در پرتو جهانی شدن، توانسته آنچنان ارتقای انسانی برای وی فراهم آورد که راه را برای نوعی زندگی تجدیدگرا و پیشرفته و اخلاقی براساس مکانیسم توسعه و پیشرفت فرد و جامعه، هموار سازد.

این پرسش محور ورود به دنیای جهانی شدن و پیامدهای آن بر واقعیت زنان است. به عبارت دیگر جایگاه زنان در جهانی شدن تا رسیدن به دیدگاه‌های آینده‌نگرانه‌ای که استراتژی هدفمندی برای صیانت و حمایت از زنان در برابر جنبش‌موهوم رهایی که زن را تنها به ابزاری مادّی در خدمت دیدگاه‌ها و گرایش‌های جهانی شدن تصویر می‌کنند، چیست؟ اینها همه براساس مطالعات و پژوهش‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی است که کنفرانس‌ها و میزگردها و نشست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که پیاپی پیرامون زنان تشکیل و برگزار شده است ارایه داده‌اند. این نکته مستلزم درنظر گرفتن چندین محور

1- تعریف "جهانی شدن".

2- پیامدهای "جهانی شدن".

3- جایگاه زنان در روند "جهانی شدن".

4- دیدگاه اسلامی نسبت به زن.

5 - جایگاه زنان در بیداری اسلامی (دیدگاه آینده‌نگرانه).

یکم : تعریف "جهانی شدن" :

سخن از جهانی شدن در پی فروپاشی اتحاد شوروی در سال 1990م. و همراه با بروز مجموعه‌ای از پدیده‌های سیاسی و حیاتی و یک سری اندیشه‌های نوین و پیشرفت‌های فناوری که جهانی را به همبستگی و ارتباطات و نزدیکی بیشتر می‌کشاند و از فاصله‌ها می‌کاست، گسترش بیشتری پیدا کرد. اصطلاح "جهانی شدن" از ترجمه واژه یا اصطلاح انگلیسی "Globalisation" به معنای قراردادن چیزی در سطح جهانی، گرفته شده و سپس به فرانسه به شکل Mondalisation برگردانده شد و سپس با سه عنوان "جهان‌گرایی"، "زمین‌گرایی" و "جهانی شدن" وارد زبان عربی [و فارسی] شد. به لحاظ لغوی، به مفهوم تعمیم چیزی و گسترش دایره آن تا شمول کل جهان است.

در اینجا ناگزیر باید اشاره کرد که تعریف واحد و جامعی از "جهانی شدن" وجود ندارد. این اصطلاح، چندین شکل بخود می‌گیرد و به چندین صورت و فرم درمی‌آید. به عبارت دیگر "جهانی شدن" واحدی وجود ندارد و ما با جهانی‌شدن‌های متفاوتی روبرو هستیم : «جهانی شدن اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی و ...»؛ از جمله تعریف‌هایی که "جهانی شدن" بخود دیده، تعریف "رونالد روبینسون" است که معتقد است: «به معنای فشار جهانی و کوچک‌سازی آن از یک سو و انگشت گذاردن آگاهی به آن به عنوان یک کل از سوی دیگر است.» [3]

"عبدالله بلقزیز" فرهنگ جهانی شدن را «عملی غصبی فرهنگی و تجاوزگرانه و سمبلیکی نسبت به دیگر فرهنگها در دیگر جوامعی که روند جهانی شدن به آن می‌رسد، می‌شناسد» [4] و "محمد شیا" آنرا «سیلان و هجوم آزاد کالاها و اموال و خدمات و اندیشه‌ها در بازار و مرزها بدون هیچ مانع و رادعی» می‌داند.

[5] و در میان پژوهشگران، کسانی آنرا به عنوان «تداخل امور سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی و سبک زندگی ملی با امور جهانی یا بین‌المللی بگونه‌ای می‌دانند که هویت فرهنگی و ملی را متلاشی می‌سازد.» [6] حال آنکه "ولفگانگ راینیکی" آنرا: «پدیده تکامل میان جنبه‌های اندامی و استراتژی شرکت‌هایی که فعالیت‌های فنی و اطلاعاتی و تبدیلی آنها به قصد تحقق رقابت بین‌المللی، از مرزهای جهانی فراتر رفته است.» [7]

در بعد ایدئولوژیک، "جهانی شدن" می‌کوشد تا فرهنگ خود را در خدمت به اهدافی که برای خود در نظر گرفته است در راستای شکل‌دهی به منظومه رفتارها و ارزش‌ها و گرایش‌ها بسازد و می‌کوشد فرهنگ‌ها و ارزش‌های تمدنی و انواع رفتاری فرهنگ‌های دیگر را به لحاظ سمعی، بصری و مصرفی و سیاسی از طریق انگشت گذاردن بر فردگرایی بدون هویت اجتماعی و قومی و در جنگ با حافظه ملی و تاریخ، ارنیه فرهنگی و اجتماعی و دینی را درنورد و پشت‌سر گذارد. "جهانی شدن" شبیخون فکری و فرهنگی و کوششی برای بخاک سپردن هویت فرهنگی با استفاده از نظام‌های دموکراتیک و تحمیل آزادی‌های جابجایی و گشایش بازارها و ظهور مجموعه‌ها و کارتل‌های بسیار بزرگ اقتصادی با ظهور مفاهیم جدیدی چون: دموکراسی، آزادی زنان، حمایت از محیط زیست، بهداشت باروری، رفاه اجتماعی، شناخت، خلاقیت، حقوق بشر و غیره است.

"جهانی شدن" امروزه با استراتژی‌های لیبرالیسم اقتصادی کلاسیک برابری می‌کند و شکل تطبیق دقیق و طابق النعل بالنعل برنامه جهانی شدن لیبرالی مبتنی بر تأکید بر حق تقدّم منطق اقتصادی در بازسازی روابط بین‌الملل و تحقق هماهنگی میان منافع گروه‌ها و خلق‌ها بخود می‌گیرد.

و بدین ترتیب و با شتابی که درک آنرا مشکل می‌کند، "جهانی شدن" به مفهوم ذوب شمار بزرگی از اقتصادهای روستایی، منطقه‌ای و ملی در اقتصاد جهانی فراگیری است که جایی برای کاهلان و کم‌تحرکان در آن وجود ندارد. این جهانی شدن را کسانی رهبری می‌کنند که توان رویارویی با طوفان‌های سرکش رقابت را دارند [اقتصاددان معروف ادوارد لتوک (Luttwak Edward) عصر جدید را اینگونه توصیف می‌کند.] [8]

بدین ترتیب ندای عصر جدید چنین شد: "هرکس می‌تواند، خود را نجات دهد" یا به گفته mc scott «شوی‌می‌خورده یا خوری‌می‌یا»: [9] و در توضیح می‌گوید: «کره خاکی ما تابع فشاری است که دو نیروی متضاد و بزرگ یعنی "جهانی شدن" و فرپاشی، ایجاد می‌کنند.» [10]

دوم: پیامدهای "جهانی شدن":

– ویژگی‌های اصلی "جهانی شدن" در رهاسازی تجارت بین‌المللی و گسترش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ظهور حرکت‌های بزرگ مالی در گذر از مرزها و شکل‌گیری رقابت در بازارهای جهانی برخاسته از تأثیر مشترک دو عامل اصلی یعنی: تصمیمات مربوط به سیاست‌های بین‌المللی و اثر فناوری‌های جدید بویژه

در عرصه اطلاعات و ارتباطاتی که انگشت شاخص خود را بر روند جهانی شدن کنون برجای گذارده است.

در این راستا، موانع طبیعی مربوط به زمان و مکان کاهش یافت و هزینه‌های جابجایی اطلاعات، مردم، کالاها و سرمایه‌ها بر روی کره زمین شدیداً تقلیل پیدا کرد. در همان حال ارتباطات جهانی بسیار ارزان و فوری و به سادگی قابل استفاده شد و این امر منجر به گسترش سرسام‌آور امکان اجرای معاملات اقتصادی در جهان گردید.

– فناوری جدید منجر به ایجاد تغییر در مزیت نسبی بین‌المللی و دانش و شناخت را یکی از عوامل مهم تولید و از منابع بسیار پراهمیت قدرت و ثروت ساخت بخش‌های مرتبط و متکی به شناخت‌های فشرده و فناوری‌های بسیار دقیق، بیشترین نرخ رشد را در اقتصاد جهانی پیدا کردند و این روند البته واکنش‌های خود را بر دیگر بخش‌های اقتصاد جهانی و ایجاد اختلال‌های شدید در توازن میان شمال و جنوب – به لحاظ فرصت‌های دستیابی به دانش و فناوری – بجای گذارد.

سرچشمه تمامی انواع فناوری‌های نوین به شمال [کشورهای ثروتمند سرمایه‌داری] یعنی جایی باز می‌گردد که بخش‌های اعظم پژوهش‌ها و پیشرفت‌ها انجام می‌شود. و این یکی از منابع مهم سلطه کارتل‌های چندملیتی بر بازارهای جهانی و نیروی چانه‌زنی آنها در برابر دولت‌های کشورهای روبه رشد را تشکیل می‌دهد. [11]

– جهانی شدن کنونی محصولات نامتعادلی در کشورها به ارمغان می‌آورد. در این میان ثروتهایی وجود دارد که ایجاد می‌گردد ولی کشورها و خلق‌های زیادی هستند که مشارکتی در سود و منافع آنها ندارند. توزیع منافع میان کشورها با میزان بسیار زیادی از نابرابری همراه است. کشورهای صنعتی با توجه به شالوده نیرومند اقتصادی که از آن برخوردارند و فراوانی سرمایه و مهارتهایی که در آنها یافت می‌شود و با توجه به عرصه‌های پیشرفته‌ای از فناوری که در آن قرار دارند، به گونه بهتر و برتری آماده دریافت مزایای بزرگی از افزایش جهانی شدن اقتصاد جهانی هستند و در طرف مقابل، کشورهای کمتر رشد یافته اسیر دورباطلی هستند که عناصری چون: فقر و بیسوادی و محرومیت از مزایای جغرافیایی و سوءمدیریت از عناصر شکل‌دهنده اصلی آنند؛ علاوه بر این بار بدهی‌های فزاینده خارجی نیز مطرح است. [12] گزارش صادره از سوی سازمان ملل متحد (اسکوا) نشان می‌دهد که کشورهای (اسکوا) در سال 2011م. با خطر افزایش نرخ بیکاری و توقف ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری‌های ناگهانی مالی یا خروج این سرمایه‌گذاری‌ها از این کشورها، روبرو می‌شوند. همه کشورهای (اسکوا) در سال 2011م. در معرض تأثیرپذیری از کاهش رشد قرار خواهند گرفت بگونه‌ای که توان بازپرداخت بدهی آنها تضعیف می‌شود و در معرض افزایش بدهی‌های دولتی قرار می‌گیرند. [13]

– جهانی شدن به مسایل بسیار گسترده‌ای دامن زد. نرخ بیکاری و نرخ متوسط تفاوت درآمدها، بالا رفت. بخش اعظم جهان به جهان فقر و فاقه تبدیل شد. جهانی با برخی شهرهای بزرگ ثروتمند با محله‌های بزرگ دیگری سرشار از فقر و گرسنگی. گزارش سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که بخش بزرگی از جمعیت،

زیر خط فقر زندگی می‌کنند و (مناطق اسکوا) همچنان از تحقق هدف مورد نظر خود در کاستن 50٪ از جمعیت گرسنه و نیز فراهم آوردن کار کامل و تولیدی و شرافتمندانه، فاصله بسیار زیادی دارد. نمودارهای مربوط به جوانان و انواع اجتماعی، مایه "نگرانی‌های جدی" است؛ این منطقه در مسئله کاستن از فقر درآمدها هیچ پیشرفتی بدست نیاورده است، بیکاری در بخش اعظم بازارهای کشورهای عربی رایج شده و مسئله در مورد دختران جوان بسیار بدتر از این هم هست. [14]

سوم : جایگاه زنان در روند "جهانی شدن" :

حقیقت کارزاری که در زمان و مکان ادامه دارد و سطوح مختلفی را شامل می‌شود و زنان در پرتو جهانی شدن و با هدف تحقق رهایی غیرمشروط دنبال می‌کنند به نتیجه‌گیری‌های متنوعی به لحاظ ارزش و جایگاه زنان تا حد "بی‌حرمتی به موجودیت و نیروها و توانایی‌ها و پتانسیل‌های نهفته آنان منجر شده است؛ وقایع موجود در دو بُعد مادی و معنوی ثابت کرده که این کارزار همچنان برقرار، هرگز کیفیت زندگی انسانی مورد نظر را برای زنان به ارمغان نیاورده است. همچنانکه نشانگر آنند که گرایش‌های جهانی، درجهت سرکوب شخصیت اصیل زنان بطورکلی و زنان مسلمان عرب بطورخاص با مشوّه ساختن و تحریف چهره حقیقی که ادیان آسمانی از زن آرایه داده‌اند، حرکت کرده است. بدین ترتیب زن تبدیل به عنصر دفاعگری شد که همواره باید موجودیت خود را برای قدرت حاکمی که جهانی شدن نماینده آنست، و ارزش و انگیزه‌ها و رفتارهای او را رقم می‌زند، ثابت کند. در این میان کوشش می‌شود چهره حقیقی زن از نظرها پنهان بماند و ویژگی‌های فردی شخصیت وی در آنسوی مفاهیمی چون : برابری دو جنس و پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زنان و امکان دادن به زن، ذوب گردد؛ نگاهی به برخی پدیده‌های اجتماعی نشانگر آنست که چگونه زنان بجای دستیابی به حقوق خود و مشارکت در ارتقا و تکامل، تبدیل به "چیز" یا "کالایی" در مفاهیم تجارت دنیای نوین شده‌اند.

1- در روزنامه السفير شماره 12/5/2005 اطلاعات مهمی از آرشیو دفتر بین‌المللی کار در گزارش صادره به تاریخ 11/5/2005م. (به نقل از اف ب) با عنوان: "ائتلاف بین‌المللی علیه کارهای اجباری" می‌خوانیم :

دست‌کم 12 میلیون و سیمدهزار نفر قربانیان کارهای اجباری در جهان هستند. آنها درآمد سالانه‌ای به ارزش 32 میلیارد دلار برای کسانی که استخدامشان کرده‌اند، تأمین می‌کنند. این "بیماری اجتماعی" - آنچنانکه گزارش از آن یاد می‌کند - بویژه شامل آسیا هم می‌شود و در سرتاسر جهان گسترش یافته است؛ این گزارش اشاره می‌کند که 56٪ از کارکنان اجباری از میان زنان و دختران هستند و 40٪ از کودکانی که سن آنها بیش از 18 سال نیست هم شامل آنها می‌شود. بخش اعظم قربانیان (یعنی 9 میلیون و 800 هزار نفر از آنها) به عنوان خدمتکار یا کشاورز برای یک نفر کار می‌کنند و شمار قربانیان تجارت برده نیز به 2 میلیون و 400 هزار نفر رسیده است.

این گزارش حاکی است که کار اجباری، مسئله ای جهانی است و جنبه پنهان دارد و با تعهد از درون، بخشی از اقتصاد را تشکیل می‌دهد. کار اجباری در بخش‌های کشاورزی و ساختمان هردو جنس زن و مرد را بطور مساوی دربرمی‌گیرد ولی بهره‌برداری تجاری غالباً شامل زنان و دختران می‌گردد.

2- در روزنامه لبنانی النهار به تاریخ 2/4/2005م. (این بار از قلب اروپای متمدن و کهنسال) می‌خوانیم: دفتر آمار سوئد می‌گوید که سوئدی‌ها در سال 2004م. 9/2 میلیارد کرون (معادل 4 میلیون و 410 هزار دلار) بابت تجارت مواد مخدر و روسپیگری هزینه کرده‌اند. لازم به یادآوری است که گرایش‌هایی برای خانگی کردن روسپی‌گری و فاحشگی صورت می‌گیرد و تلاش می‌شود به اینکارها با تصویب قوانین و مقرراتی در راستای قانونی کردن این حرفه، جنبه قانونی و مشروع داده شود.

ما در اینجا در برابر پدیده بزرگی هستیم که فکر و ذکر مردم را بخود جلب کرده است. رشد و افزایش تجارت مواد مخدر به عنوان جرثومه فجور و فساد در این زمانه، نشانگر وجود هرج و مرج فرامدنی است که جوامع انسانی (اعم از مرد و زن) را دستخوش خود ویرانگری و از آنجا ویرانی جامعه می‌سازد.

پرفسور "عباس مکی" می‌گوید: «توجه به مشروبات الکلی و دخانیات و مخدرات، ابزارهای دهانی و دارویی برای ورود به رفتارهای مصرفی جنسی و روسپیگری و فاحشگی و دربردارنده نتایج ویرانگری برای عرضه‌کنندگان این خدمت سیاه و متقاضیان آنست و البته در کنار آن سود حاصله و درآمدهای آن اساساً به سود مافیاهای این کالاهای خدماتی به اصطلاح "جنسی" یا "سکسی" در ادبیات توریستی و هتلداری معاصر است.» [15]

3- زمان در محدوده جامعه بحران‌زده ای زندگی می‌کنند که "جهانی شدن" با سردادن شعار برابری زن و مرد رقم زده و به آنجا رسیده که زنان در پی ایفا نقش‌های سنتی مردان برآمده و مدعی توانایی ایجاد جایگزین‌هایی برای بنا و شکل دهی به خانواده خارج از روابط مشروع (ازدواج) یا نامشروع (معاشرت بدون ازدواج) است. محیط فناوری معاصر با پروژه‌های بسیار بی‌باکانه خود در پی ایجاد انواع خانواده‌های جدیدی است؛ این امر عملاً در جهان پیشرفته یعنی در ایالات متحده آمریکا و اروپا و در برخی مناطق آسیا و آمریکای لاتین اتفاق افتاده است. چه بسا پروژه "تباهی زندگی بشری" اینک جوامع عربی و اسلامی ما را به اشکال گوناگون یا غیرقانونی درمی‌نوردند، پروژه‌های "تباهی زندگی بشری" در بعد روانی و ارتباطی در منظومه خانواده برخاسته از این نوع خانواده، خطرات فوق‌العاده‌ای در بر دارد و پیچیدگی‌های زیادی در رابطه میان پدر و مادر و پدر و مادر و فرزندان که در ژن‌های خود با آنها اشتراکی ندارند زیرا از "پشت" پدر و مادر خود زاده نشده‌اند، مطرح می‌سازد؛ مسئله مسئولیت اخلاقی مربوط به درهم‌آمیزی خویشان تحت تأثیر اختلاط بیولوژیک افراد مختلفی که هیچ پیوندی با یکدیگر ندارند نیز مطرح است.

اینها همه در کنار سردی عاطفی و احساسی میان اعضای خانواده جدید و میان این خانواده و فرزندان برای اساس که رابطه آنها اجتماعی و نه بیولوژیکی است، وجود دارد.

4- بهره‌برداری تبلیغاتی از زن در موضوع "سکس" و تشویق به فحشا و جنایات اخلاقی در چارچوب دوستی‌های بین‌المللی که بی‌عفتی و بی‌بندوباری‌های دو جانبه را فعال‌تر می‌سازد. این بی‌عفتی‌ها همزمان با شکل‌گیری کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای که فیلم‌ها و صحنه‌هایی که از نزدیکی جنسی و فراخوان به تماس تلفنی برای داشتن ساعاتی از لذت از طریق تلفن، گسترش بیشتری یافته است؛ این پدیده هم یک شکل اجتماعی و هم به صورت مشکلی مادی درآمده و علاوه بر این فشارها و تنش‌های روانی تحریک‌آمیز و خطرناکی را در بعد رفتارهای بیمارگونه و جنایی، دنبال داشته است.

5 - دفتر سازمان بین‌المللی کار در نشریات سال 2005م. خود اشاره به این دارد که خدمات خانگی، کار نخست دختران زیر شانزده سال در جهان را تشکیل می‌دهد که واقعاً ماهی نگرانی است یادآوری می‌شود که چیزی حدود ده میلیون نفر از این افراد، قربانیان چنین بهره‌برداری از جمله شکنجه و تجاوزهای جنسی قرار می‌گیرند.

6- خلاصه کردن زن به عنوان اندامی که یکی از عناصر اصلی بازار در دوران جهانی شدن را تشکیل می‌دهد. اندام [زن] از گرمی و خصوصیتی که دنبال لذت است تبدیل به جسم سرد و بی‌روحی شده که به عنوان انرژی مبادله اقتصادی در فضای تشویق و تهدید، عمل می‌کند. با این تبدیل و تحول، جسم از مهارت تولید قدم به مهارت اقتصاد سکس گذارده است. این امر با رشد و توسعه مافیای "بردگان سفید" [روسپی‌ها] - که سالیانه حدود 7 میلیارد دلار عاید مافیای خود می‌کند - همراه شده است. این بازار دومین بازار سیاه پس از تجارت مواد مخدر را تشکیل می‌دهد و خود نشانگر دردها و رنج‌هایی است که بشریت در تمدن جهانی شدنی که زیربار هیچ نوع کنترل و مانعی نمی‌رود؛ از آن رنج می‌برد. مجله Le groupeها اختیار در (بلوند سفیدپوست) اروپایی دختران تجارت که سازد می‌خاطر نشان nouvel Observateur و مافیاهای آلبانیایی است و جنایتکارانی که از این زنان و دختران سوءاستفاده می‌کنند با آژانس‌های استخدام سازمان یافته‌ای همکاری می‌کنند که محرمانه به حساب مافیاهای پنهان عمل می‌کنند که خود نرخ شغل روسپیگری را تعیین می‌کنند. این مافیاهای در نهایت خشونت و وحشیگری اقدام به ربودن و مصادره دختران داوطلب استخدام در این آژانس‌های وهمی می‌کنند و غالباً هم دختران را وادار به پذیرش حرفه روسپیگری می‌نمایند.

7- همزمان با پدیده رشد و توسعه تمدنی و به عنوان نتیجه حرکت تغییری که زنان بدان فرامی‌خوانند، پدیده همجنس‌گرایی (ازدواج دو هم‌جنس با یکدیگر) مطرح شده است؛ در سطح رسمی در ایالات متحده آمریکا کوشش‌های گسترده‌ای برای حمایت از حقوق هم‌جنس‌گرایان و حمایت از ایشان بعمل آمده است. در چندین کشور اروپایی و نیز برخی ایالات متحده آمریکا قانون ازدواج، ارث و فرزندخواندگی برای هم‌جنس‌گرایان

8 - ما با ظهور پدیده فرزندخواندگی به حساب کنترل زاد و ولد و با شعارهایی از جمله بهداشت زاد و ولد، در برابر بمب بسیار پیچیده‌ای که می‌رود تا خصوصیت ذاتی بشریت (مردان - زنان / نر - ماده) را بکلی ویران و تباه سازد روبرو هستیم. نتایج و پیامدهای این پدیده تنها محدود به بی‌هویتی و بی‌عاطفی فرزندان و به حاشیه راندن بزرگسالان نمی‌شود و شامل ارزش‌ها و میراث فرهنگ دینی نیز می‌گردد.

9- نمایش‌های جنسیتی که در پیوند با تبلیغات و فرهنگ مصرفی است و عبارت از بهره‌برداری از اندام [زنان] در همه ابعاد خود برای فروش کالای مصرفی در چارچوب روند بازتاب شرطی پیچیده است؛ کوشش می‌شود تا رابطه زنان با جسم خود که در واقع مجموعه‌ای پیوسته با مجموعه‌های ارزش‌ها و نقش‌ها و داده‌های فرهنگی است، حضور مادی و مصرفی هدفمندی بخود بگیرد و برای هرگونه سوء‌استفاده و بهره‌برداری همچون هرکالای دیگری در بازار و براساس عرضه و تقاضا مطرح می‌شود. خانم دکتر "امینه خمیس الطاهری" با استناد به پژوهشی که در مورد تصویر زن در ترانه‌های جوانان عربی خلیج فارس انجام داده می‌گوید: «بیشتر ترانه‌ها و آهنگ‌ها، زنان را در لباس‌های دوره ویکتوریا - که هیچ ربطی به جامعه عربی ندارند - نشان می‌دهند همچنانکه زنان در بیشتر تصاویر آهنگ‌های ارایه شده با لباس‌های عجیب و غریبی نشان داده می‌شوند و زنان در یک آهنگ چندین بار لباس عوض می‌کنند و گویی سالن عرضه مد لباس مطرح است. از این سخن روشن می‌شود که الگوی غربی چه در شکل زن یا در لباس او، الگوی مطلوب و تعمیم یافته و گسترش یافته‌ای از طریق رسانه‌های گروهی مردمی و فراگیر است و زنان عرب می‌کوشند به عنوان الگوی امروزی، از آن تقلید کنند. به نظر می‌رسد که رسانه‌های گروهی ما را قانع کرده‌اند که این زیباترین نمونه‌ای است که باید از سوی دیگر زنان جهان نیز تقلید شود و این چیزی است که معتقدات و هویت زنان عرب را در پرتو جریانهای جهانی شدن که می‌رود تا جوامع ما را درنوردد، تهدید می‌کند.» [16]

چهارم : دیدگاه‌های اسلامی نسبت به زن :

زن در اسلام بیانگر نمونه ایده‌آلی برای وضعیت تعادل و شناسایی همه جانبه موجودیت انسان در همه صورتهای آنست. در شخصیت زن مسلمان تمامی نمودهای ترقی و موجودیت مستقل و اراده شخصی و آزادی انتخاب و آزادی تصمیم‌گیری برخاسته از کنترل درونی متکی به قوانین الهی، نمود پیدا می‌کند. قوانینی که بالاترین سطح تجلیل و احترام به موقعیت و جایگاه زنان را تحقق می‌بخشد. جایگاه شخصی، اجتماعی، خانوادگی، زناشویی و اقتصادی در چارچوب قانونمندی‌ها و احکام شرعی الهی و تضمین حمایت و مراقبت از حقوق او.

ارزش زن در آنچیزهایی است که اسلام به صورت توانایی‌ها، انگیزه‌ها، تمایلات و احساسات اصیل در وی بودیعه نهاده و هرکدام موجودیت فردی و رشدیابنده‌ای به وی می‌بخشد که شباهتی به دیگران ندارد. شناسایی همه جانبه زن در اسلام در چارچوب حقوق و احکامی صورت می‌گیرد که بطور خلاصه بازیابی کامل همه اعتبارات انسانی است و به نوبه خود راه را بر شکل‌دهی به نوعی زندگی پویا و خلاق و پیشرفته هموار می‌سازد و بدین ترتیب زن تبدیل به عامل اصلی اعتلای روانی و ساختاری و کارکردی و اجتماعی جامعه به عنوان نیمی از جامعه و حتی سازنده و شکل‌دهنده جامعه می‌گردد.

حقوق زن در اسلام :

1- حق زن در حیات:

زن در جامعه جاهلی [پیش از اسلام در شبه جزیره العرب] روشن‌ترین مثال اهانت و تحقیر را بخود دید. او در همه ابعاد جنس، جسد، اندیشه، تولید و جایگاه تحقیر می‌شد و در شخصیت و صورت او تمامی تناقض‌های آن جامعه، تجلی پیدا می‌کرد. او بهترین تعبیر کوتاهی، عقده خودکم‌بینی و ننگ بود و در شخصیت وی بدترین حالت‌های بی‌ارزشی گردآمده بود و کم‌ارزشی او لزوم زنده‌بگور کردن آنها بنا به دلایلی که ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی داشت، توجیه می‌کرد. ریشه اقتصادی‌اش در هراس از فقر بود که دختر باری بر دوش خانواده بشمار می‌رفت. ریشه اجتماعی‌اش در ننگ و رسوایی بود که در صورت ناهنجاری رفتاری‌اش می‌توانست نصیب خانواده و در تقابل با سنت‌های آن شود و به لحاظ روانی احتمال مورد حمله قرار گرفتن قبیله و قرارگرفتن زنان در معرض تجاوز و غارت و اسارت در جنگ‌ها و درگیری‌های قبایل وجود داشت.

اسلام این آیین پاک با رسالت جاودانه و شریعت آسان و قوانین جاودان خود آمد تا همه این افسانه‌های جاهلی را نسبت به زن، نقش بر آب سازد و دلایل واهی آنرا محکوم کند. این دین از طریق قرآن کریم، قانونی آسمانی در نظر گرفت که به موجب آن جایگاه زنان و شالوده‌های روابط و پیوندهای دوجانبه، مشخص می‌گردد. در این قانون، زن دارای حق دوستی و مهرورزی است، دارای حق پذیرش یا عدم پذیرش است. اسلام در همه زمینه‌های حیاتی حقوق بسیار گسترده‌ای برای زن قایل شد که مهمترین آنها حق حیات زن است. اسلام تمامی نشانه‌های خشم و ناخرسندی از استقبال دختران بهنگام تولد را لغو کرد و خداوند متعال با این آیه کریمه، همه این مواضع را چنین به تصویر کشاند: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ. أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (سوره النحل - آیات 58 و 59) (و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره‌اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد* از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از

قبيله [خود] روی مدّپوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهان‌ش کند و چه بد داوری مدّکنند.) خداوند متعال کردار زشت جاهلیت را در این آیه محکوم کرد: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (سوره التکویر - آیات 8 و 9) (پرسند چو زان دخترک زنده به گور * به کدامین گناه کشته شده است.) و خداوند عزوجل خود این نهی را اعلام کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاکُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا» (سوره الاسراء - 31) (و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید مایم که به آنها و شما روزی مدّبخشیم آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.)

2- حق برابری با مرد :

این برابری در ارزش انسانی و حقوق اجتماعی و مسؤولیت و جزاست و مبتنی بر وحدت اصل، وحدت اهداف و حساب روز جزاست. استثناهای وارده بر این قاعده در ارتباط با تفاوت‌های زن و مرد در برخی ویژگی‌های آندو و در خدمت تکامل آنها با یکدیگر و تحقق جانشینی [خدا بر روی زمین] است. بشریت بطور کلی یک خانواده است و در اصل آفرینش و شکل‌گیری خود - آنچنانکه در این آیه الهی نیز آمده است - به یک نفس بازمی‌گردد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا بِغُيُوبِكُمْ» (سوره النساء - 1) (ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست مدّکنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.)

این اقرار الهی در آفرینش مرد و زن از یک نفس، زنان را در انسانیت خود برابر با مردان قرار داده با همان حقوق و همان تکالیف و وظایف، در راستای تأکید بر اصل برابری و عدم تبعیض دو جنس با یکدیگر، خداوند عزوجل با هر بار که با امر و نهی یا وعده و وعید ثواب و عقابی در چارچوب یک حکم الهی الزام‌آوری از مردان یاد کرده بلافاصله از زنان نیز یاد کرده است؛ آنچنانکه در این آیه شریفه داریم: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (سوره الاحزاب - 35) (مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد مدّکنند خدا برای

[همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.) و نیز آیه «أَنْزَلْنَاهُ فِیْ لَیْلِ الْقَدْرِ» (سوره القدر - 195) (من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر دید تباه نمودیم). و آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعَضُهُمْ أََوْلَیَاءُ بَعَضٍ یَأْمُرُونَ بِالْعَمَلِ الْعُرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره التوبه - 71) (و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امانت‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند). چه بسیار شده که خداوند سبحان، کل بشریت را مورد خطاب قرار داده و منظورش زنان و مردان بوده است مثلاً در این آیه: «فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ * وَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ» (سوره الزلزله - آیات 7 و 8) (پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید* و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید). و همین آیه: «وَأَنْ لِّیْ سَآئِرُ الْإِنْسَانِ إِلَّا مَآ سَعَى * وَأَنْ لِّیْ سَعْدِیَّةٌ سَوَّافَ یُرَى» (سوره النجم - 39 و 40) (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست* و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد).

3- برابری در حقوق مدنی :

مِثْلُ الَّذِي عَلَّيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره البقره - 228) (مانند همان [وطایفی] که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است).

این آیات از جمله قواعد ثابت برابری میان زن و مرد در تمامی حقوق و وظایف است. آنها بیانگر ترازویی هستند که هریک از طرفین باید میزان رابطه میان خود را بدان بسنجند و همین است که در آخرین تحلیل مقرر می‌دارد حقوق میان دوطرف متقابل است و آنها برابرند، زن و مرد همچنانکه در حقوق و اعمال مانند یکدیگرند در ذات خویش، احساس و عقل نیز برابری دارند.

اسلام در حقوق اعطایی به زن، گشاده‌دستی زیادی خرج داده است. به او حق تملک داده، حق انفاق و تصرف در املاک خود را داده و آزادی تولید و بهره‌برداری از سرمایه‌ها، آزادی کار و دستمزدی که درخواست می‌کند، داده است؛ زن حق آموزش دارد و برای او فرصت‌های مشارکت و دستیابی به جایگاه و حضور اجتماعی داده است و به او آنچنانکه در آیه زیر مطرح شده، حق مبیعت نیز داده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره الممتحنة - 12) (ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بجهت‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.) همچنانکه به زنان حق مشارکت سیاسی عطا کرده است. به عنوان مثال بانو خدیجه (علیها السلام) برای پیامبر اکرم حضرت محمد(ص) وزیر در اسلامش بود[17] و بدین ترتیب بانو خدیجه، اولین زنی است که در جهان این لقب سیاسی یعنی "وزیر" را بخود اختصاص داده است.

4- حق مادری :

که والاترین و برترین حقوق برای زن است؛ "مادری" یکی از نیرومندترین غرایز همه موجودات [ماده] بشمار می‌رود. نیروی این غریزه به وظیفه و کارکرد آن در حفظ نوع بازمی‌گردد. مادری ارزشی کاملاً اجتماعی در فرهنگ عربی و اسلامی و ستون خیمه پروژه وجودی زن بشمار می‌رود زیرا همواره او را به عنوان "مادر فلان" می‌شناسند. قرآن کریم در آیات زیادی از مادری سخن به میان آورده و به نیکی کردن و احترام به مادر فراخوانده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (سوره لقمان - 14) (و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و

پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.) و نیز این سخن الهی: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (سوره الاحقاف - 15) (و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداری او از شیرگرفتن او سی ماه است.) و نیز آیه زیر که خداوند متعال از زبان پیامبرش حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَبَرَّأَ الْيَوَالَدَتَيْنِ وَالْمَ يَجْعَلُنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (سوره مریم - 32) (و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است.) این توصیه‌ها در جوهر خود بیانگر ستایش از رسالت مادری و اشاره به خطراتی که مادر در راه تحقق هدف والایی که با نقش خود به عنوان مادر در حفظ نوع و تداوم آن ایفا می‌کند، متحمل می‌گردد.

پنجم : جایگاه زنان در بیداری اسلامی (دیدگاه آینده نگرانه):

وقایع نشان داده‌اند که معیارهای آزادی زنان و بازگشت به کیان انسانی ایشان در آیین اسلامی نهفته است. آیینی که توان تحقق اعتلای انسانی و زمینه‌سازی بنای نوعی والا، نوین و خلاق را که براساس آن مکانیسم رشد و توسعه شکل می‌گیرد، داراست. روند صیانت از حقوق زنان و حمایت از آنها در برابر حرکت برده‌داری که شعار "جهانی شدن" طی سه دهه گذشته منادی آن بوده است چیزی جز سلب ارزش زن و تبدیل شدن آن به یک کالا بجای انسان و زندگی در جامعه بحران زده کنونی نیست. او در این جوامع درگیر زندگی پرتنش و هرج و مرجی است که سرانجام نیز به فروپاشی جامعه رفتاری‌اش منجر شده است. زن در توهم سعادت و رفاه زندگی می‌کنند و این توهّم نیز به نوبه خود بیش از پیش او را اسیر و برده خود می‌سازد حال آنکه راه حل دیگری که گریزی از آن نیست، گزینش جریان "بیداری اسلامی" با تمامی چالش‌ها، چشم‌اندازها و دیدگاه‌های آینده‌نگرانه آنست. بیداری زن در پیوند با میزان ارتباط واژه "زن مسلمان" به عنوان اسم و فعل است. پیامدهای حاصل از "جهانی شدن" در همه ابعاد، مسئله آگاهی در جوامع انسانی و ضرورت درک حقیقت اسلامی را که وقایع مختلف ثابت کرده از هر حقیقت دیگری برای مردم در بازیافت تعادل و توازن امت مفید تر است، مطرح کرده است و اهداف این حقیقت در بعد کاربردی آنها حمایت از ارزش‌های حق و عدالت و احترام به حقوق بشر است زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا مَرْيَمَ بِذِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَالْأَيْحُورِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَصَّلْنَا هُمُ عَنَّا كَثِيرًا» (سوره اسراء - 70) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.)

امت مسلمان در برابر چالش بزرگی در بازگشت به اصول خویش و ارزیابی واقعیت خود در پرتو کتاب خدا و سنت نبوی و مکتب ائمه اهل بیت (علیه السلام) و نقاط ضعف و علل آن قرار دارد؛ چالشی که امت اسلامی ما در آینده قابل پیش بینی با آن روبرو می گردد میزان توانایی تفکیک عناصر زندگی در پروژه جهانی شدن و باز ترکیب آن براساس رهنمودهای اسلام و اصول آنست جهان اسلام در حال حاضر و بحمدالله سرشار از بیداری یکپارچه و سرتاسری است که در همه گرایش ها و برای بخش های مختلف مردم در جهت درک اسلام و شناخت جنبه های حیاتی آن و به سمت اجرای اصول و شریعت اسلامی در تمامی امور زندگی فردی و اجتماعی قابل لمس است - به این اعتبار که اسلام بنا به آیه شریفه ذیل، بیانگر هویت حقیقی کل بشریت است : «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (سوره آل عمران - 110) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید. در این میان درک آگاهانه ای نیز از نقش اندیشه لیبرال غرب - که جهانی شدن یکی از سایه های تاریک آن بشمار می رود که کوشیده به میان منظومه فرهنگی دینی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان نفوذ کند و شمار نه چندان اندکی از جوامع عربی و اسلامی را هدف قرار دهد و به آنها آسیب رساند - وجو دارد.

آگاهی فردی و اجتماعی نسبت به اهمیت این شبیخون برنامه ریزی شده و روال سرکوب هویت اسلامی و تهی ساختن آن از محتوای مکتبی، نخبه ای از علمای دینی و روشنفکران و اصلاحگران را در جهت مخالفت با این شبیخون و در نظر مکانیسم و راهکارهایی با هدف بازیافت اندیشه و دیدگاههای اسلامی و فراخوان امت اسلامی به همدلی و اتحاد و هم جوشی بیشتر و نزدیکی مذاهب اسلامی به منظور آشنایی و شناخت یکدیگر و برای رسیدن به برادری دینی مبتنی بر اصول مسلم و موارد مشترک ثابت و دینی همه مسلمانان فراخواند. آنها از سازمانها و کنفرانس های اسلامی به عنوان خاستگاهی برای تحقق این اهداف و دیدگاهها بهره برداری کردند، در این میان سایت جنبش های اسلامی و حوادث بزرگی که در جهان اسلام اتفاق افتاد و مهمتر از همه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران - که برای تمامی جهانیان از این سو تا آنسو ثابت کرد که اسلام می تواند امیدهای ملت و خواسته های او را به آزادی و استقلال تحقق بخشد و هرگونه پدیده جدیدی را در چارچوب سازماندهی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جای دهد. در این راستا زن نیز نقش فشرده و متمدانه ای در امور اجتماعی و سیاسی این حرکت داشت بگونه ای که امام خمینی (قدس سره الشریف) می فرماید: «شما زنان، این انقلاب اسلامی را به پیش بردید.»

بیداری اسلامی شماری از اندیشمندان و پژوهشگران را به مطالعه خطرات نفوذ آن بر اندیشه غربی و لیبرالی سوق داد. "جیف هینس" می گوید : «اسلام بمثابه یک نظام دینی، اجتماعی و فرهنگی کوشیده تا جایگاه پیشگامی جهانی را داشته باشد و از طریق ایجاد یک جامعه دینی بین المللی، تبدیل به دینی جهانی گردد.» [181]

در پرتو این بیداری اسلامی بود که یورش های رسانه ای سازمان یافته ای از سوی صهیونیسم جهانی

صورت گرفت که در آن اسلام و مسلمانان را به عنوان تروریست و افراط گرا و دشمنان تمدن تصویر می کردند در پروتوکول های حکمائی صهیون آمده است: «اگر طلا قدرت نخست ما برای سلطه بر جهان است، تبلیغات و ابزارهای رسانه ای باید قدرت دوم ما باشد.» [19] صهیونیسم جهانی در بدست گرفتن رسانه های گروهی در جهان و کنترل بخش برنامه های آن در جهت خدمت به منافع خود موفق شد. همچنانکه توانست بر رسانه های گروهی امریکائی و اروپائی نیز که جملگی در پی مشوه ساختن چهره اسلام و مسلمانان و اتهام آنان به تعصب و عدم تسامح هستند، تاثیر گذار باشد.

از جمله نمودهای این بیداری اسلامی، آگاهی بسیار زیاد در میان زنان مسلمان نسبت به برنامه ها و نقشه هایی است که در مورد آنها برای سلب اندیشه، عقیده و موجودیت ایشان صورت می پذیرد. این آگاهی در بروز جنبش ها و فراخوانهای زنان در سطح محل بین المللی به منظور دفاع از حقوق زنان براساس رهنمودهای اسلام و مرجعیت اسلامی، تبلور می یابد. تاکید بر مرجعیت اسلام به معنای انزوا و عزلت گزینی نیست، گشودگی در برابر جهان و همراهی با آن در پرتو داده های فرهنگی عربی - اسلامی و مستند به اجتهادهای روشنگرانه است. موقعیت زن در بیداری اسلامی با بهره گیری از شبکه های اجتماعی و گسترش آگاهی و شناخت و تبلیغ مسایل زنان در دو سطح دینی و تشریعی و تاکید بر ضرورت پاسداری از شالوده های اسلامی در ساماندهی روابط زنان و مردان و ارایه قرائت روشنگرانه ای از متون اساسی اسلامی (قرآن و حدیث نبوی)، تجلی پیدا کرده است؛ زن در حال حاضر تبدیل به عامل مهمی در بیداری اسلامی شده است زیرا حرکت او بر بخش های گسترده ای از مردم و در اهمیت مقید ماندن به اصول مسلم دینی و ارتباط با اندیشه مکتبی محمدی، تاثیر دائمی دارد. این نقش جهادی زنان مستلزم تحکیم و تقویت موقعیت آنان در مراکز تصمیم گیری و نمایندگی سیاسی است. قرائتی در جایگاه زنان در بیداری اسلامی نشان می دهد که زنان مسلمان گامهای مهمی در تاسیس نهادها و سازمانهای خود و نیز فعالیت ها و دستاوردهایش و تبلور دیدگاهها و گفتمانها برداشته اند. ولی هرازگاهی از آنها خواسته می شود که در گامهای برداشته شده بازخوانی خود را داشته باشند و دیدگاههای خود را در اهدافی که اینان دنبال می کنند، اصلاح کنند. روند بیداری بیش از آنکه روندی فنی و تکنیکی باشد روندی عمیق و تودرتوست که در محتوای اندیشه ای و فرهنگی آن نهفته است. این نیز نیازمند مبارزه ای همزمان برای ارتقای سطح آموزش و مبارزه با بیسوادی و پذیرش تجربیات سازمانهای بین المللی و درافتادن به شبکه های بین المللی زنان و انتشار مطالعات و پژوهش های مربوطه و برگزاری میزگردها و کنفرانس ها و سازماندهی حملات تبلیغاتی مربوط به قانون حمایت خانواده و ارایه مشاوره های حقوقی و تشریعی و مشارکت رسانه ای هدفمند در تکذیب مقوله ها، تفسیرها و تاویل های نادرستی است که اسلام را دین خشونت و معارض با آزادی و حقوق انسان تلقی می کنند. اسلام دینی است که به تعدد گرایی، اختلاف، ادیان مختلف احترام می گذارد و تاریخ خود بهترین گواه بر این ادعاست، فرهنگ عربی - اسلامی که توانست برای بیش از چهارده قرن با فرهنگهای دیگری که با آن تماس داشتند هم رنگ شود می تواند با تحولات فرهنگی، علمی و سیاسی معاصر نیز همگامی داشته باشد و ارزش هایی را در تحکیم برابری و عدالت و آزادی و دیگر شالوده هایی که به انسان (اعم از مرد یا زن) اعتلا می بخشد و او را به مراتب والای کرامت و عزت می رسانند، تحقق بخشد.

منابع

1- قرآن کریم

2- توافقنامه پایان بخشیدن به تمامی انواع تبعیض علیه زن، گزارش‌های سایه در کشورهای عربی، سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)، 2007م.

3- "محمد مهدی آصفی": "التحديات المعاصرة و مشروع المواجهة الاسلاميه" (چالش‌های معاصر و پروژه رویارویی اسلامی)، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بیروت، 2008م.

4- "الامة الاسلامية و التحديات" (امت اسلامی و چالش‌ها)، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، 2004 م.

5- "بر فتنه مسیحه" "حقوق المرأة و الشرعة العالمية لحقوق الانسان" (حقوق زنان در شریعت اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر) موسسه المعارف، چاپ اول بیروت 1992م.

6- "البشر، بدرية، "وقع العولمة في مجتمعات الخليج" (تاثیر جهانی شدن در جوامع خلیج فارس)، تز دکترای علوم اجتماعی، زیر نظر "محمد شیا"، دانشگاه لبنان بیروت 2005م.

7- "محمد علی تسخیری"، "حول الصحوة الاسلامية" (پیرامون بیداری اسلامی) مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران 2005م.

8- "التقرير العربي الثالث حول الاهداف التنوية للألفية 2010 و آثار الازمات الاقتصادية العالمية علي تحقيقها"، (سومین گزارش عربی پیرامون اهداف توسعه هزار و پیامدهای بحرانهای اقتصادی جهانی بر تحقق آنها)، سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب.

9- "الجنحاني"، "العولة و الفكر العربي المعاصر" (جهانی شدن و اندیشه معاصر عربی) دارالشروق، چاپ اول، قاهره، 2002م.

- 10- "عبدالله خلاق"، "الصحة الإسلامية" (بيداري اسلامي)، دارسبيل الرشاد، چاپ اول، بيروت 1999 م.
- 11- "رسالة التقريب" (ماهنامه)، "مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي"، تهران شماره رجب و شعبان 2005 م.
- 12- "محمد تقي سبحاني"، "شخصية المرأة" (شخصيت زن)، مركز الحضارة لتنقية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بيروت 2009 م.
- 13- "عالمية الاسلام و العولمة" (جهانشمولي اسلام و جهاني شدن)، شانزدهمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي، تهيه و تنظيم : طه مرقاتي، مجمع جهاني تقريبي مذاهب اسلامي چاپ اول، تهران 2003 م.
- 14- "العلواني، طه جابر"، "الخصوصية و العالمية في الفكر الاسلامي" (جنبه هاي خاص و جهاني انديشه اسلامي)، دارالهادي، چاپ اول، بيروت 2003 م.
- 15- "عولمة عادلة : توفير الفرص للجميع" (جهاني شدن عادلانه : فرصت سازي براي همگان)، سازمان بين المللي كار ، چاپ دوم، سويس، 2004 م.
- 16- "العولمة و انواع الاجتماعي" (جهاني شدن و انواع اجتماعي) گزارش توسعه زنان عرب ، 2001 م، كوتر، مركز المرأة العربية للتدريب و البحوث.
- 17- "العولمة و تداعياتها علي الوطن العربي" (جهاني شدن و پيامدهاي آن بر جهان عرب)، مركز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول ، بيروت 2004 م.
- 18- عيسي زينب محمد، "أني فاطمة" (فاطمه هستم)، جمعيت خيريه بانو زينب(س)، چاپ اول ، بيروت 2004 م.
- 19- "يوسف القرضاوي" الصحة الإسلامية و حصوم الوطن العربي و الاسلامي" (بيداري اسلامي و مسايل جهاني عرب و اسلام)، دارالشروق، چاپ دوم ، قاهره، 2006 م.
- 20- "مبادي توجيهية من اجل تعميم قضايا النوع الاجتماعي و تعزيز فعالية آليات النهوض بالمرأة" (اصول توجيهي براي تعميم مسايل اجتماعي و تحكيم فعاليت هاي مكانيسم رشد زنان) سازمان ملل متحد، كميته اقتصادي و اجتماعي غرب آسيا ، (اسكوا)، 2007 م.
- 21- المرأة في منطقة العربية : "واقع و تحيات و آفاق مستقبلية" (زن در منطقه عربي:

واقعیت‌ها، چالش‌ها و چشم اندازهای آینده) کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)، فشرده کمیته زن، نشست سوم، ابوظبی، 14-15 مارس 2007م.

22_ "المرأة و قضاياها" (زنان و مسایل آنها) مجموعه نویسندگان، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ اول، بیروت، 2008م.

23_ "مسح للتطورات الاقتصادية و الاجتماعية في منظمة الاسكوا" (پیمایش تحولات اقتصادی و اجتماعی در سازمان (اسکوا)) (2009-2010 م)، سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)

24_ "مكي، عباس محمود"، کارشناسان روانشناسی جنایی. رشد جنایات اخلاقی معاصر، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، چاپ اول بیروت 2007م.

25_ "مكي، عباس محمود"، "دينامية الاسرة في عصرالعولمة" (پویایی خانواده در دوره جهانی شدن)، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، چاپ اول، بیروت، 2007م.

26_ "منتدي المرأة و الاعلام" (کلوب زن و رسانه‌ها)، چهارمین کلوب کنفرانس عربی، دوره امارت عربی متحده، ابوظبی، 2-3 فوریه 2002م.

27_ "موقع المرأة العربية في عملية التنمية" (جایگاه زنان عرب در روند توسعه) کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (سازمان ملل متحد) (اسکوا)، 2008م.

28_ "زكي الميلاد"، "المسألة الحضارية" (مسئله تمدنی): مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي، چاپ دوم، بیروت، 2008م.

29_ "الناصري، محمد باقر"، "محاضرات في الصحة الإسلامية المعاصرة" (سخنرانی‌هایی در بیداری اسلامی معاصر)، دارالزهرا، چاپ اول، بیروت 1986م.

30_ "وضع المرأة العربية" (2005) (اوضاع زنان عرب در سال 2005)، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا).

[11] - (وضع المرأة العربية 2005) سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکو) صفحه 12.

[2] - "الان توران" نقد مدرنیسم، ترجمه (عربی) انور معیث، شرایعالي فرهنگي جمهوري عربي مصر، 1998م. صفحه 305.

[3] - "رونالد روبینسون" : (جهاني شدن نظري و اجتماعي و فرهنگي و جهاني) ترجمه احمد حمود و نورامين، شرایعالي فرهنگي، قاهره، صفحه 27.

[4] - "جهاني شدن و پیامدهاي آن بر وطن" مقاله‌اي از عبدالجليل كاظم الوالي : "ديالكتيك جهاني شدن : از اختيار تا نفي" مركز مطالعات وحدت عربي، چاپ اول، بيروت 2003م.، صفحه 18.

[5] - البشر بدريّة، "آثار جهاني شدن بر جوامع خليج فارس"، تز دكتراي علوم اجتماعي، دانشگاه لبنان، زیرنظر محمد شيا، بيروت 2005م.، صفحه 4.

[6] - همان منبع، صفحه 25.

[7] - همان منبع، صفحه 25.

[8] - پيتر مارتين، هانس/شومان هارالد: دام جهاني شدن، ترجمه (عربي) عدنان عباس علي، عالم المعرفة، شوري ملي فرهنگي، هنر و ادبيات، كويت شماره 238 چاپ اول 1998، صفحه 57.

[9] - همان منبع، صفحه 26.

[10] - همان منبع، صفحه 68.

[11] - کمیته جهاني بُعد اجتماعي جهاني شدن : جهاني شدن عادلانه: ايجاد فرصت براي همگان. سازمان بين‌المللي كار چاپ دوم سويس، 2004م.، صفحه 28.

[12] - همان منبع، صفحات : 36 و 37.

[13] - آمارگیری تحولات اقتصادی و اجتماعی در منطقه (اسکوا) (2010-2009م). سازمان ملل متحد، کمیته اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (اسکوا)، صفحه 111.

[14] - سومین گزارش عربی پیروان اهداف توسعه هزاره 2010 و پیامدهای بحرانهای اقتصادی جهانی بر تحقق آنها. سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب (گزارش فشرده اجرایی).

[15] - مکی عباس محمود کارشناس روانشناسی - جنایی (رشد جنایات اخلاقی معاصر) مؤسسه دانشگاهی مطالعات و انتشارات. چاپ اول بیروت 2007م.، صفحه 10.

[16] - "الطاهری، امنیة خمیس"، تصویر زن در آهنگهای جوانان عرب خلیج، (ویدئوکلیپها)، چهارمین نشست زن عرب (زن و رسانهها)، ابوطی، 3-2 فوریه 2002م.، صفحه 146.

[17] - "علامه محمد باقر مجلسی": بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، 1983م. جلد 16، صفحه 11.

[18] - امت اسلامی و چالشها، چهارمین نشست کارشناسان سازمان کنفرانس اسلامی، مقاله ای به قلم "عماد افروغ"؛ (اسلام و جهانی شدن) مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی 2004م.، صفحه 219.

[19] - همان منبع، مقاله ای به قلم: "صالح بن سلیمان الوهبی"، (حملات تبلیغاتی علیه اسلام و مسلمانان) صفحه